

هر معلم یک پژوهشگر

پژوهش آری، جشنواره نه



معصوم شیخ‌الاسلامی

آموزگار و مدرس دانشگاه فرهنگیان بروجرد

برنامه‌های از طرف مقامات بالاتر به او ابلاغ می‌شود، با نگاهی موشکافانه و علمی آن را بررسی می‌کند و بعد، با بهترین شیوه ممکن، طرح یاد شده را به اجرا در می‌آورد و در صورت نیاز، به نقد مشکلات و مسائل مربوط به آن می‌پردازد.

از نظر من، معلم پژوهشگر معلمی بود که گاهی با تأمل بر تمامی اتفاقات روزانه کلاس و تحلیل جزء به جزء کار خود، به رفتارهای درست‌تر و تربیتی تری در حیطه کاری‌اش می‌رسد. این بود که آن تیترو برایم جذاب شد. فکر آینده‌زیبای فرزندانمان با پژوهشگر شدن معلمان، لحظات زیبایی را برایم ایجاد کرد و چقدر دلم می‌خواست همه این‌ها هر چه سریع‌تر اجرایی شود.

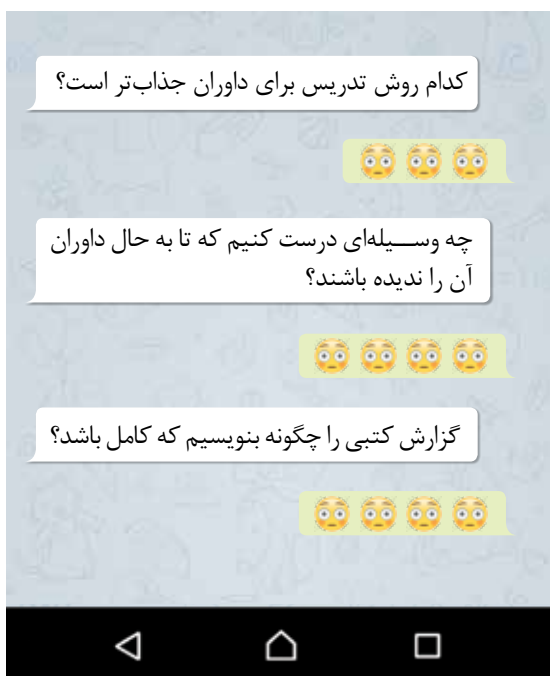
آن روز آن مقاله را خواندم ولی در ذهن خود چنین رویایی از معلم پژوهشگر ساختم و منتظر اجرایی شدن آن تیترو ماندم. چندان طول نکشید که انواع این پژوهش‌ها در قالب دستورات‌العمل‌ها و بخشنامه‌ها روانه مدارس گردید. اقدام پژوهی و معلم پژوهنده، درس پژوهی، کنش پژوهی فردی و روایت پژوهی. سال اول اجرای این طرح‌ها بسیار خرسند و خوشحال از برآورده شدن آرزویم، سعی کردم هم مجری باشم و هم راهنمای همکاران. اهداف زیبای طرح‌ها را می‌خواندم و به همه آن‌ها ایمان داشتم - البته هنوز هم دارم - و با شوق فراوان و انرژی تمام به همکاران

یادم می‌آید شاید ده سال پیش، در یکی از مجلات رشد تیترو مقاله‌ای توجه مرا به خود جلب کرد: «هر معلم باید یک پژوهشگر باشد». راستش این تیترو آن قدر گویا و جذاب بود که بدون نیاز به مطالعه متن هم می‌شد عمق آن را درک کرد. برای من که آن قدر جذابیت داشت و عمیق بود که دوست داشتم همان موقع به جای متن، خودم آن را تحلیل کنم. آن روز نمی‌دانستم که شاید در پس این جمله، برنامه‌هایی برای پژوهشگر شدن معلم باشد اما اگر هم بود از نظر من خیلی عالی بود.

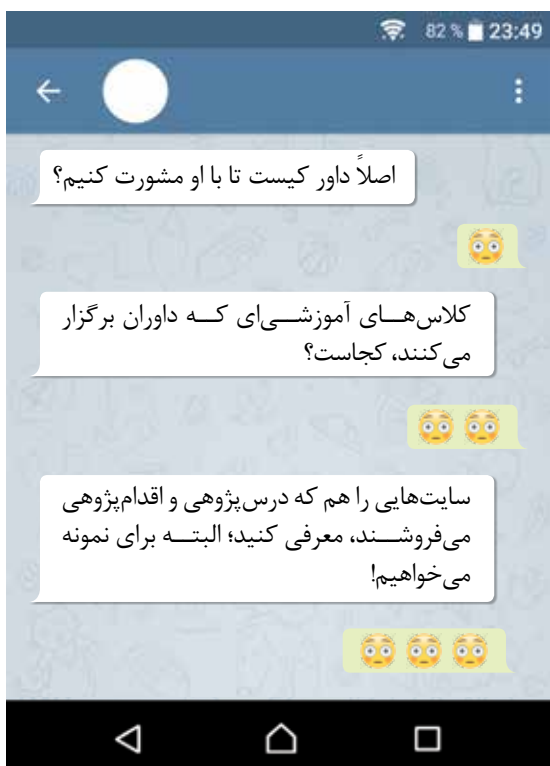
در نظر من، معلم پژوهشگر معلمی بود که برای حل مشکل رفتاری دانش‌آموزانش شروع به مطالعه، تحقیق، مصاحبه و پرس‌وجو می‌کند و بعد مطالعاتش را به اجرا می‌گذارد و سپس نتیجه کارش را می‌بیند و لذت می‌برد.

شاید هم خاطره این تجربه زیبایش را برای دیگران بنگارد.

در نظر من، معلم پژوهشگر معلمی بود که گاهی برای حل مشکل آموزشی‌ای که در یک درس خاص برای دانش‌آموزان پیش آمده است، با پرس‌وجو از دیگران و به کمک همکاران، روشی را در کلاس اجرا می‌کند و آن را به نقد همکاران خود می‌گذارد و بعد از اصلاح، تدریس خود را بهبود می‌بخشد. از نظر من، معلم پژوهشگر معلمی بود که هرگاه طرح و



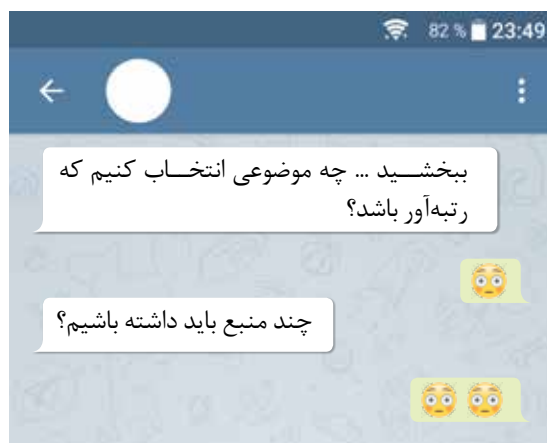
تا اینجای کار متوجه نکته‌ای شده‌ام و آن اینکه با اجرای این گونه طرح‌ها شاید پژوهشگر تربیت کنیم ولی معلمی را از آن‌ها می‌گیریم؛ زیرا در این سؤالات نه اثری از دانش‌آموز هست و نه معلمی. البته امروزه سؤالات پیشرفته‌تر شده است:



کمک می‌کردم؛ آن قدر که در کلاس‌های آموزشی، به سادگی این طرح‌ها را آموزش می‌دادم و فواید آن‌ها را می‌گفتم. چندی بعد، سیل طرح‌های زیبای همکاران از دل کلاس‌ها بیرون آمد. چقدر زیبا مشکل پرسش‌های شفاهی حل شده بود و دانش‌آموز بدرفتار به یک دانش‌آموز مؤدب و دلخواه تبدیل شده بود! وای که چقدر از نتایج این طرح‌ها خرسند بودم!

اما هنگامی که داوری طرح‌ها برای دادن رتبه به معلمان و ارسال کارهای برتر به استان و کشور شروع شد، اتفاق دیگری افتاد. در داوری‌ها یک طرح به خاطر نداشتن فهرست. طرح دیگر به خاطر نداشتن قالب اقدام پژوهی یا درس پژوهی یا ...، یکی به خاطر کم بودن منابع و مآخذ علمی و دیگری به دلیل استفاده انحصاری از تجربه دیگران مردود شد. در نهایت، طرح‌هایی پذیرفته شدند که در قالب‌های دستورالعمل‌ها نگاشته شده بودند و منابع نظری فراوان داشتند و پیش از آن هم کسی شبیه آن‌ها را اجرا نکرده بود. البته شاید این طبیعی باشد که هر داور ملاک و معیار خود را داشته باشد.

با نگاهی اجمالی به طرح‌ها متوجه شدم که طرح‌های برتر مربوط به معلمانی است که حداقل چند واحد دانشگاهی روش تحقیق گذرانده‌اند. طرح‌های مردود گاهی بسیار جالب و ابتکاری و تأثیرگذار بودند اما قالب روش‌های پژوهش دانشگاهی را نداشتند. داوری‌ها به پایان رسید. بعد از اعلام نتایج، سیل اعتراضات بجا و نابجای معلمان سرازیر شد که، آری ما بی‌انگیزه شده‌ایم ... این همه زحمت و فقط انتخاب یک عده خاص و ...؛ راستش با خود می‌گفتم، چه اعتراضات بی‌موردی! ما که نمی‌توانیم همه طرح‌ها را ارسال کنیم. به هر حال هر کس که بازنده بازی باشد، اعتراض می‌کند و این طبیعی است. گذشت، تا اینکه سال بعد و سال‌های بعد، آمار شرکت‌کنندگان این طرح‌ها پایین آمد و ادارات برای رتبه‌آوری مناطقشان دست به اعمال فشار به مدیران و مدیران هم به معلمان زدند و آن وقت تازه فهمیدم که بی‌انگیزگی یعنی چه. تازه فهمیدم جشنواره‌ای کردن و رتبه‌ای کردن پژوهشگری یک معلم یعنی چه. از آن روز تا به حال، هنگام شروع طرح‌ها این سؤالات مرا ناامید می‌کند:





در نظر من، معلم پژوهشگر معلمی بود که برای حل مشکل رفتاری دانش آموزانش شروع به مطالعه، تحقیق، مصاحبه و پرس و جو می‌کند و بعد مطالعاتش را به اجرا می‌گذارد و سپس نتیجه کارش را می‌بیند و لذت می‌برد

که تجربه‌های والایی دارند، از ترس ناآشنا بودن با روش‌های دانشگاهی وارد این مقوله‌ها نشوند.

۳. اعلام رتبه‌های برتر و محدود باعث بی‌انگیزگی اکثریت همکارانی می‌شود که رتبه نیاورده‌اند.

۴. آشنایی بعضی همکاران رتبه‌آور باعث شرکت چندین باره و رتبه‌آوری تقریباً دائمی آنان می‌شود.

۵. مدیران و معلمان برای رتبه آوردن حاضر می‌شوند هزینه‌هایی را متحمل شوند که تأثیر چندانی بر اصل آموزش و تربیت ندارد.

۶. فروش طرح‌های اینترنتی بالا می‌گیرد و کسب و کار سودجویان رونق پیدا می‌کند.

۷. طرح‌ها کم‌کم از واقعیت به طرف خیال‌پردازی می‌روند؛ به طوری که بعضی از طرح‌ها فقط در قالبی درست و دقیق نوشته می‌شوند اما هیچ‌گاه به اجرا در نمی‌آیند.

۸. معلمان از برنامه‌های این چنینی خسته می‌شوند و اعتمادشان به همه چیزهای خوب از بی می‌رود.

۹. اقدام پژوهی تلاشی ساده برای ارتقاء دانش آموز است؛ کاری که شاید بیشتر معلمان هر روز انجام می‌دهند اما آن را نمی‌نویسند؛ چون نوشتن در قالب‌هایی که تعیین می‌شود، حوصله آن‌ها را سر می‌برد. سخت کردن چیزهای ساده به خاطر مثلاً علمی کردن آن‌ها بی‌زاری می‌آورد.

۱۰. اقدام پژوهی و معلم پژوهشگر تربیت کردن با روش‌های دانشگاهی درس دادن و اجرا کردن باید تفاوت داشته باشد. اقدام پژوهی معلمان باید از کف کلاس‌ها بیرون آید نه از درون منابع و مآخذ ترجمه شدهٔ ثقیل و سنگین.

دوستان، به اعتقاد من درس پژوهی، اقدام پژوهی و ... یک فرهنگ است نه یک طرح، مسابقه یا جشنواره.

رقابت بر سر دعوت از داوران و استادان و صرف هزینه‌ها در مدارس برای این طرح‌ها بالا می‌گیرد؛ نان داوران و سرگروه‌های آموزشی توی روغن می‌رود و ...

امسال برای توضیح دادن دربارهٔ درس پژوهی به مدرسه‌های دعوت شدم. قبل از شروع مراحل کار، در میان صحبت‌ها گفتم که امسال داوری را قبول نکرده‌ام. همان‌جا مؤدبانانه عذرم را خواستند و حتی حاضر نشدند به مطالب من و مراحل کار گوش کنند.

از حق نگذریم، بودند تعدادی از همکاران که معتقد بودند این طرح‌ها به یادگیری روش‌های فعال آن‌ها در کلاس کمک زیادی کرده است اما وقت‌گیری اجرا و بعضی از فرم‌های کلیشه‌ای آن‌ها را هم آزار می‌داد.

راستی چرا این‌طور می‌شود؟ چرا طرح‌هایی با این اهداف زیبا- که اگر درست هم اجرا شوند حتماً نتایج خوبی خواهند داشت- این قدر به بیراهه می‌روند؟ به نظر نگارنده، جشنواره‌ای کردن پژوهشگری به دلایل زیر عامل انحراف از مسیر تربیت معلم پژوهشگر است.

۱. تبدیل طرح‌هایی که باید در محیط واقعی کلاس انجام شود به روش‌های خاص و مصنوعی، که فقط برای رتبه‌آوری صورت می‌گیرد.

۲. وارد شدن طرح‌ها در قالب‌های کلیشه‌ای پژوهشی به جای ساده‌نگاری واقعی از مطالب و اتفاقات کلاس، هم جذابیت کار را کاهش می‌دهد و هم باعث می‌شود تعداد زیادی از همکاران